

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سایت گزارشگران

۰۲ نومبر ۲۰۱۷

مصاحبه های گزارشگران
در باره تحولات سیاسی در کشور عراق و اقلیم کردستان

مصاحبه با محمد رحیمی

تا زمانی که روال دنیا چنین است و مردمان جهان در چهارچوب مرزهای ملی محصور شده اند خلقهائی هم که به دلیل همین نظم از داشتن استقلال ملی محروم شده اند حق تشکیل دولت مستقل خود را دارند و باید در اینراه مورد پشتیبانی همه آزادیخواهان قرار گیرند. بر همین راستا همواره مدافع استقلال ملل تحت ستم فلسطین و کردستان بوده ام



گزارشگران:

یک ماه پس از برگزاری رفراندوم استقلال در اقلیم کردستان عراق، کرکوک طبق یک عملیات کوتاه و بدون مقاومت در اختیار نیروهای ارتش عراق و شبه نظامیان حشدالشعبی قرار گرفت. پرچم کردستان را که پیشمرگه های کرد در این شهر به اهتزاز در آورده بودند پائین کشیدند و پرچم عراق را بالا بردند. انتظار می رفت که پیشمرگه های کرد در برابر این نیروها مقاومت به خرج دهند و اینطور نشد. بسیاری معتقدند که خیانت شده است و رهبران کرد را مقصر می دانند. آیا این واقعه می تواند سراغاز جنگی دیگر و جابه جایی بحران در کشور عراق شود؟ آیا دست هانی در کار است تا عراق را نیز سوریه نی کند؟ با فعالان و صاحب نظران سیاسی به مصاحبه نشستیم.

محمد رحیمی تحلیلگر سیاسی کرد و از فعالان مستقل جنبش چپ ایران است. با او مصاحبه می کنیم

محمد گرامی سلام و ممنون از این که دعوت ما را پذیرفتید

گزارشگران:

اقلیم کردستان چندی پیش در یک همه پرسی با اکثریت قاطع به استقلال آن رأی داد. برخی اصولاً برگزاری آن و احیاناً دستیابی کردهای عراق به استقلال را حق مسلم آنان و مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها دانستند و برخی نیز ضمن تأیید این حق به طور کلی اما برگزاری این فراندوم را در شرایط بحرانی کنونی به لحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر دانستند. شما آن را چگونه ارزیابی کردید؟

محمد رحیمی:

تا زمانی که روال دنیا چنین است و مردمان جهان در چهارچوب مرزهای ملی محصور شده اند خلقهائی هم که به دلیل همین نظم از داشتن استقلال ملی محروم شده اند حق تشکیل دولت مستقل خود را دارند و باید در اینراه مورد پشتیبانی همه آزادیخواهان قرار گیرند. بر همین راستا همواره مدافع استقلال ملل تحت ستم فلسطین و کردستان بوده ام. در جریان برگزاری فراندوم اخیر در کردستان جنوبی موافق برگزاری آن بودم و از مردم خواستم به استقلال رأی آری بدهند. من از خطرات ناشی از برگزاری فراندوم آگاه بودم و در مقابل آن از مردم کردستان خواستم از پائین و در سطح محلات، روستاها و شهرها و برای دفاع از دستاوردهایشان مستقل از دولت اقلیم خود را سازمان دهند. مصاحبه من با علی دماوندی در تلویزیون برابری گویای این مسأله است. به یاد داشته باشیم که از زاویه منافع کشورهای متخاصم هیچ گاه زمان مناسب برای فراندوم فرا نخواهد رسید. این را هم می دانیم که بدون فداکاری، آزادی، برابری، عدالت و استقلال تا کنون به کسی داده نشده است. باید قبول کرد که به دلایل متعدد مسیر آزادی خلقها سختتر و پرنسنگلاختر شده اند. قانع ساعر انقلابی کرد می گوید: درخت آزادی با خون سیراب شده و به ثمر می رسد، استقلال با فداکاری به نتیجه می رسد.

گزارشگران:

در برابر این پروژه (همه پرسی) صفتبندی های سیاسی جدیدتری در منطقه شکل گرفت. مثلث عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه اردوخانی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان صف کشیدند و تهدیدهایی از سوی آنان انجام گرفت و محدودیت هایی در این ارتباط برای کردها ایجاد شد. برخی می گویند فلسفه این همه پرسی نه دستیابی به استقلال که گرفتن امتیازات بیشتر از دولت مرکزی عراق بوده است. شما چگونه ی بینید؟

محمد رحیمی:

شکست یتیم است و پیروزی هزار پدر و مادر دارد. توده های زحمتکش کرد در فراندوم اخیر شرکت کردند و به استقلال کردستان رأی مثبت دادند. این به خودی خود یک پیروزی بزرگ برای کارگران و زحمتکشان است که با صدای رسا به جهانیان گفتند خواستار آزادی خویشند. این اقدام مردمی در تاریخ مبارزات کردستان ثبت شده است. علاوه بر این، از همان آغاز واضح و روشن بود که هر دو بخش رهبری بورژوائی کردستان دل خوشی از آزادیخواهی مردم کرد ندارند. در حالی که بخشهایی از اتحادیه میهنی آشکارا با برگزاری فراندوم مخالفت می کرد، جناح دیگر نیز بند نافش را از دولت عراق جدا نمی کرد و با طرح ادامه مذاکره بلا فاصله بعد از برگزاری فراندوم تزلزل و دولی را تبلیغ می کرد. هر دو جناح به جای کمک به سازماندهی مردم در دفاع از استقلال مشغول مسابقه همکاری با دولت فاشیستی مذهبی عراق بودند. این هردو جناح احزاب ناسیونالیستی از مردم سازمانیافته کرد بیش از حشد شعبی و دولت فاشیستی عراق وحشت دارند. از همینروست که طی ۲۶ سال گذشته پارتی و اتحادیه در مقابل خود سازمانیابی مستقل کارگران، دهقانان، زنان، بیکاران، روزنامه نگاران و جوانان کرد ایستادند و تعدادی از رهبران

کارگری و روزنامه نگاران مستقل را به قتل رساندند. دفاع این نیروهای بورژوائی از جنبش استقلال طلبانه کردستان تا جایی است که منافع طبقاتی آنان به خطر بیفتد. این نیروها در راه منافع ویژه خود هر چیزی را قربانی می کنند.

گزارشگران:

شهر نفت خیز کرکوک از نقاط بسیار مهمی بود که توسط نیروی پیشمرگه ها آزاد و قسماً کنترل می شد. با پیشروی نظامی ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی شیعه این شهر بدون مقاومت از سوی کردها واگذار شد. پیشمرگه های کرد دستور عقب نشینی از مواضع خود گرفتند. برخی آن را خیانت رهبری دانستند و رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابه جایی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد. ارزیابی شما چیست؟

محمد رحیمی:

اگر جناح اقلیت اتحادیه میهنی خیانت نمی کرد، حشد شعبی و نیروهای دولت عراق به خاک کرکوک و دیگر مناطق مورد مناقشه قدم نمی گذاشتند. پاول و آلا طالبانی به همراه آراس و لاهور شیخ جنگی چهار کارچاق کن جناح خیانتکار اتحادیه میهنی هستند که مسئولیت مستقیم این خیانت بزرگ را به عهده دارند. آنان در زمان مناسب در مقابل دادگاه صالح به جرم خیانت به رأی بالای ۹۰٪ توده های مردم و رفتن به صفوف دشمن قرار خواهند گرفت. این جناح ترسو و جبون در جریان دو ماه کارزار فراندم به مراتب بیش از گذشته به حاشیه پرتاب شد و کاملاً شکست خورد. برای جبران شکستهایشان حاضر شدند به صفوف دشمنان مردم خویش بپیوندند و این درست همان کاری بود که بارزانی و پارتی سالها پیشتر انجام داده و تانکهای دولت عراق را به اربیل آوردند. این دو نیرو طی سالیان گذشته به جای اتحاد با مردم به سمت دشمنان رفتند. نزدیکی آنان با دولتهای فاشیستی مذهبی ایران، ترکیه و عراق نمونه بارز ترس آنان از قدرتگیری توده های مردم کرد است. تکرار خیانت این دو نیرو حاصل ترسشان از مردم است. بدون شک به حاشیه راندن رقبای پارلمانی توسط بارزانی و سر انجام بستن پارلمان برای یک دوره طولانی در راندن بیشتر جناح خائن اتحادیه میهنی به سمت دشمن بی تأثیر نبوده است.

گزارشگران:

نیروهای ارتش عراق و حشدالشعبی بدون مقاومت وارد کرکوک شده اند و پرچم کردهای عراق را به زیر کشیده اند و پرچم خود را بالا برده اند. با توجه به ترکیب قومی موجود در این شهر آیا به نظر شما کرکوک آستان بحران و درگیری های جدید خواهد بود.

محمد رحیمی:

در کوتاه مدت کرکوک توسط یک فرد نظامی اداره می شود که دولت عراق را نمایندگی می کند. در قدم بعدی سعی می شود کرکوک و دیگر مناطق مورد مناقشه به طور مشترک و از طریق همکاری جناح خائن اتحادیه میهنی با دولت مرکزی عراق اداره شوند. تا زمانی که مسأله فراندم هنوز بر فراز سر کردستان و عراق در جولان باشد دولت عراق به همکاری با این جناح از اتحادیه ادامه خواهد داد، چنان که دولت صدام حسین صدها هزار کرد را به عنوان جاش به خدمت گرفته بود. آینده کرکوک تابعی از اوضاع عمومیتز عراق و منطقه خواهد بود. بسته به این که به چه درجه ای بحران میان جمهوری اسلامی و دولت ترمپ تشدید شود؛ تا چه اندازه دست ایران از دخالت در عراق و دیگر کشورهای منطقه کوتاه شود؛ و سر انجام دولت عبادی به چه میزان از پشتیبانی مالی سیاسی و نظامی ایران محروم گردد، به همان درجه نیز تحولات آتی کرکوک دستخوش تغییر می گردد. متأسفانه آینده کرکوک از کنترل ساکنان آن

خارج شده و تحولات آن تحت تأثیر عواملیست که از دسترس آنان خارج است. به طور کلی می توان گفت که علی رغم اهمیت اقتصادی و منابع نفتی کرکوک یکی از مناطق کردستان است و سرنوشتش با بقیه کردستان گره خورده است. من بعید می دانم که در آینده نزدیک برای تسخیر مجدد کرکوک پارتی و دیگر احزاب کرد حمله ای سازمان بدهند. علی رغم برخی درگیریها هنوز اساس اقدامات طرفین سیاسی می باشد. در حالی که احزاب طرفدار استقلال کردستان تلاش می کنند تأثیر خائن را به حد اقل برسانند و نیروهای طرفدار آنان را به طرف خود جلب کنند؛ دولت عراق، سلیمانی و حشد شعبی نیز تلاش می کنند بیشترین استفاده را از اختلاف جناحهای متفاوت کرد برده و شکاف میان آنان را گسترش دهند. عبادی و قاسم سلیمانی تا زمانی که فراندم و استقلال کردستان را خطری جدی تلقی کنند از جناح خاین اتحادیه میهنی استفاده کرده و به آنان پر و بال خواهند داد. اما این سیاست تا جایی خواهد بود که در مذاکره با بارزانی به نتایج دلخواهشان برسند. فعلاً جمهوری اسلامی و دولت عراق با ایجاد تفرقه در صفوف کردها یک ضربه جدی بر آنها وارد کرده است دوره آینده روشن می کند دولت عراق تا چه حد بر وعده هایش در پرداخت حقوق پیشمرگان در سلیمانیه و کرکوک، افتتاح مجدد فرودگاه سلیمانیه، باز کردن مرز کردستان با ایران و سایر توافقاتش با خائنین اتحادیه میهنی وفادار می ماند.

گزارشگران:

گفته می شود که جمهوری اسلامی با نمایندگی قاسم سلیمانی و همراهی خانواده جلال طالبانی نیز در این واقعه دخیل بوده اند. جریان چه بوده است؟

محمد رحیمی:

دخالت جمهوری اسلامی در عراق و کشورهای منطقه بر کسی پوشیده نیست. از همان نخستین روزهای بعد از سرنگونی صدام حسین دخالت گسترده ج.ا. در عراق آغاز شد. قاسم سلیمانی و دیگر سرکردگان پاسدار و بسیجی ایرانی سازماندهی نیروهای شبیه به بسیج فاشیستی ایران در عراق را به عهده گرفتند که حاصل فعالیت آنان به وجود آمدن تعداد قابل توجهی نیروی شبه فاشیستی در عراق تحت عناوینی چون عصائب حق، سپاه بدر، حشد شعبی و غیره است. این نیروها در توازن قوای میان گرایشات موجود در عراق امروز حرف اول را می زنند. علاوه بر سازماندهی این نیروهای فاشیستی- مذهبی نمایندگان ج.ا. به طور مستقیم و روزانه در امورات داخلی عراق دخالت دارند. باز پسگیری کرکوک توسط اعراب مذهبی و فاشیست عراقی و به کمک جناحی از اتحادیه میهنی یکی از نمونه های آشکار این دخالت است. مدتی قبل از فوت جلال طالبانی قاسم سلیمانی و نمایندگان ج.ا. در ارتباط با فراندم، مخالفت ج.ا. با برگزاری آن و راه مقابله با آن با ایشان وارد صحبت شده و بعید نیست وی را به امضای توافقتنامه ای وادار کرده باشند که مبنای توافق پاول طالبانی و هادی عامری قرار گرفته باشد. همگان تهدیدهای قاسم سلیمانی را به یاد دارند که او در صورت برگزاری فراندم از اقدامات حشد شعبی جلوگیری نخواهد کرد. طبق این توافق خائنانه مناطق مورد مناقشه مثل کرکوک، خانقین، جلولا، قره تپه و غیره می بایست به طور مشترک اداره شوند. این توافق طبعاً دائمی نیست و بسته به تغییر توازن قوا میان دولت اقلیم و حکومت مرکزی دستخوش تغییر خواهد شد. لذا آینده افرادی مثل پاول و آلا طالبانی و آراس و لاهور شیخ جنگی به هیچ وجه تضمین شده نیست و تاریخ مصرف آنان تا زمانیست که دولت عبادی - حشد شعبی بتواند همه خواسته هایش را به دولت اقلیم تحمیل کند. خیانت این جناح از اتحادیه میهنی هم وزن آش بتال و هزیمت مصطفی بارزانی در سال ۷۵ است.

گزارشگران:

نقش و جایگاه کشورهایمانند امریکا و اسرائیل و عربستان در این تحولات چگونه است؟

محمد رحیمی:

امریکا و حتی اسرائیل و عربستان نقشه های ستراتیژیک خود را در چهارچوب مسائل کردستان محدود نمی کنند. امریکا اختلافات بزرگی با ایران دارد و برای حل آنان برنامه بلند بالائی را به اجرا گذاشته است. هدف امریکا در صورت امکان تغییر رژیم ایران است. کوتاه کردن دست ایران از کشورهای منطقه همراه با محاصره اقتصادی ایران، فشار بر برنامه های اتمی و راکتی ایران شاخه های گوناگون رسیدن به هدف ستراتیژیک امریکا در تغییر ج. ا. است. برگزاری فراندنم در کردستان با تشویق روحیه ناسیونالیستی در اعراب عراق در حالی که امریکا را در عراق آچمز می کرد در عین حال دست ایران را برای فعال مایشائی بیشتر در عراق باز می کرد. به همین دلیل بود که امریکا از دولت اقلیم می خواست که مدتی برگزاری فراندنم را عقب بیندازد. امریکا توانسته است حداقل در ظاهر و به طور رسمی دولت عبادی را همچون متحد خویش در جنگ ضد داعش نگه دارد. دولت اقلیم نیز دیگر متحد امریکا در همان جنگ است. امریکا در درگیری میان دولت عبادی و دولت اقلیم نمی توانست جانبدارانه عمل کند و بناچار از آنها خواست که از طریق مذاکره بر اساس قانون اساسی عراق اختلافاتشان را حل و فصل کنند. خلاف امریکا ج. ا. در عراق کاملاً جانبدارانه عمل کرده و می کند. هدف ایران عقب انداختن جنگ نهائی اش با امریکاست و بهترین مسیر ایجاد بحران در دیگر کشورها و مشغول کردن امریکا با آن بحرانهاست. به خصوص که جنگ داعش نیز گریبان امریکا را ول می کند. تا جایی که به سیاستهای اسرائیل مربوط شود گرچه اسرائیل از استقلال کردستان پشتیبانی کرده است که دلائل آن روشن است اما این پشتیبانی تا زمانی که امریکا سیاست متفاوتی داشته باشد از حد حرف فراتر نخواهد رفت. سیاست عربستان نیز در مجموع تابع سیاست امریکاست. برای عربستان نیز هدف اصلی زدن سر مار است. اقدام اخیر عربستان در نزدیکی با عبادی در خدمت این هدف بزرگتر است و آن را با دخالت در مسائل کردستان به خطر نخواهد انداخت.

گزارشگران:

آنچه مسلم است این وضعیت جدید پس از همه پرسی کمک زیادی به حل بحران منطقه نمی کند و در این میان دولت اسلامی داعش می تواند از فضای ایجاد شده به بازسازی خود بپردازد. چشم انداز را چگونه می بینید؟ آیا ظرفیت ها و پارامترهای موجود احتمال سرانجامی بدون آغاز جنگ و کشتار ی دیگر از طریق مذاکره را می دهد؟

محمد رحیمی:

همه عوامل و فاکتورها نشان از این دارند که در دوره آتی در عین زور آزمائی در جبهه های جنگ دولتهای عراق و اقلیم یک دور مذاکره را برای رسیدن به یک توافق احتمالی آزمایش می کنند. یادمان باشد که علت اصلی اقدام بارزانی به برگزاری فراندنم وقت کشی دولتهای عراق در اجرای ماده ۱۴۰ و زیر پای گذاشتن قانون اساسی بود. اکنون فراندنم خواست کردهای ساکن کردستان را عیان کرده است و برگزاری فراندنم یک پیروزی سیاسی برای دولت اقلیم است. به دنبال آن یورش مغول آسای حشد شعبی و تسخیر بخش زیادی از مناطق مورد مناقشه توسط آنان در حکم یک پیروزی برای عبادیست و او با دست پر از امتیاز جدیدی که گرفته است استفاده خواهد کرد. چشم انداز به گونه ایست که در توازن قوای فعلی دولت عبادی چه در میدان جنگ و چه بر روی میز مذاکره از موقعیت بهتری بهر مند است گرچه شکننده می باشد و قطع پشتیبانی ایران آن را تهدید می کند. در نهایت باید گفت که اهالی کردستان بعد از ۲۰۳

صاحب اقلیمی شده بودند که برای آن زحمت چندانی نکشیده و قدرش را نمی دانستند. اکنون آنان با شرکت میلیونی خویش دستاوردی را خلق کرده اند که فعلاً به خاطر یورش حشد شعبی به خطر افتاده است. آنان تصمیم گرفته اند علی رغم خیانت بخشی از نیروهایشان به طور مسلحانه از موجودیت و دستاوردهایشان دفاع کنند. این دفاع قابل پشتیبانیست و درسهای مثبت زیادی برای ساکنین کردستان به همراه خواهد داشت.

گزارشگران: با تشکر از شما و امید که در آینده نیز از تجارب شما بهره ببریم

۵ آبان [عقرب] ۱۳۹۶